

کارگران همه کشورها متحد شوید!



باسینه‌ای سرشار از عشق
به آرمانهای والایمان

بایاد بیمرگ
یاران بخون خفته‌مان

و با درود آتشین

به زندانیان سیاسی و

رفقای دربندمان

به پیشواز

بهار و

سال نو

برویم!

نوروزتان فرخنده و پیروز!

فراخوان

هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت فرارسیدن سال نو

هم میهنان عزیز!

نوروز یکی از جشن‌های باستانی ماست. رسم دیرین ما ایرانیان است که فرارسیدن سال نور، علیرغم بدبختی‌ها و دشواریها، بهمدیگر شادباش بگوئیم. در شرایط کنونی که رژیم خمینی همه آداب و رسوم ملی ما را لگدمال کرده و می‌کوشد تا مردم ستم‌دیده این سنت‌های باستانی مانند چهارشنبه سوری، نوروز و سیزده بدر را بدست بقیه در ص ۶

نام
مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۴۶ دوره هشتم
سال سوم سه شنبه ۱۳۶۵/۱۲/۲۶

بهاه ۲۰ ریال

گل و بلبل

لانه ام در باغ صیاد است
بشنوید ای تندراییان تن آسوده
سینه ام در هردمی آماجگاه تیر پیدا است.

پندگویان می دهندم پند
مانندت، بیهوده اینجا ماندت تا چند
بال بگشا، دل بکن از این خطر خانه
آشیان بردار از شاحی که هر دم در کف باد است.

من ولی در باغ می مانم که باغم پر گل یاد است
وز فراز چشم اندازم فراوان پرده‌ها پیدا:
برگ افشان درختان تبر خورده
مرگ شنم‌ها
سرکشی خارها و جست و جوی ریشه‌ها در خاک
عطر پنهان بهاری زندگی آرا

این چه فریاد است
بلبلان خسته بال خار در پهلوی؟
مرگ، در باغی که هر گلخانه خمشی در آن رویاست
مرگ، در باغی که من دارم
در کنار غنچه‌های تنگدل زیباست.

آری، آری من به باغ خفته می مانم
باغ، باغ ما است
پنج روزی. بیش و کم، گر با مال پای صیاد است.
سیاوش کسراپی

کلردرمیان دهقانان:
انتخاب شعارهای تاکتیکی، افساگری و
سازماندهی اتحادیه‌های دهقانی
در ص ۴

ایران در سالی که گذشت

سال ۶۵ در بستری از رنج و درد و پرخاش و
بیکار خونبار بسر رسید. در آستانه سال ۶۶
پجاست نگاهی گذرا به خطوط اصلی سیاست و
عملکرد رژیم در سالی که گذشت، بیفکنیم:

مجموعه رویدادهای سال گذشته نشان داد که
بحران رژیم، بحران ژرف ساختاری است. این
بحران سرپای نظام و همه زمینه‌های اقتصادی،
اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک و
نظامی را فراگرفته و زائیده تشدید هر چه بیشتر
وابستگی کشور به اقتصاد جهان سرمایه‌داری
است.

در سال ۶۵، در اثر کاهش قیمت نفت، بگفته
رئیس کل بانک مرکزی در روز ۱۹ بهمن ماه،
درآمد ارزی رژیم تا حدود ۶۰ درصد کاهش داشته
است. پیامد این کاهش و افلاس مالی و بویژه با
اختصاص دادن بخش اصلی ارز حاصل از
بقیه در ص ۲

گلوله بجای نان، کفن بجای پوشاک، قبر بجای مسکن

مران چ ۱۰ که در اوایل سال جاری اعلام
کرده بودند، جنگ را در سال ۶۵ با پیروزی نظامی
پایان خواهند داد، اینک پس از ناکامی عملیات
"سروش‌ساز" باصطلاح کربلای ۵ و ۶ و ۷، ساز
دیگری می‌زنند. موسوی، نخست‌وزیر رژیم، در
جلسه ۱۷ اسفند ماه هیئت دولت، پس از اشاره به
"برنامه‌ریزیهای اصولی" در زمینه جنگ که گویا
مرحله به مرحله "در حال شرمدهی است" گفت:
"اینکه برنامه‌ریزیهای یاد شده تنها برای کسب
پیروزیهای سروش‌ساز در سال ۶۵ بوده و با آغاز
سال جدید از شدت حملات رزمندگان اسلام کاسته
خواهد شد، فکر خامی است که ما آن را از "فکر
دشمن" بیرون خواهیم کرد".
بقیه در ص ۷

نیروی حزب در وحدت یکپارچه

و انضباط آگاهانه است

در سالی که گذشت، علیرغم حملاتی که از
"چپ" و راست متوجه حزب توده‌ای مابود، حزب
به موفقیت‌های چشمگیری دست یافت.

در سال ۱۳۶۵ اعضا و هواداران حزب در
داخل و خارج از کشور چهل و پنجمین سال تاسیس
حزب را افتخار خود را جشن گرفتند. در آئین‌هایی
که بسته به شرایط و امکانات مشخص به مناسبت این
روز تاریخی برگزار گردید، هزاران توده‌ای بار
دیگر عهد و میثاق خود را با حزب شهیدان تجدید
کردند. شرکت عده کثیری از اعضا و هواداران
حزب در این آئین‌ها، علیرغم شرایط سخت، آب
سردی بود بر سرهای داغ کسانی که آرزوی از هم
پاشیده شدن حزب ما را در مخیله غلیل خود
می‌پروراندند.

در سالی که گذشت حزب توده‌ای ما توانست
با تشکیل کنفرانس ملی خود با شرکت عده زیادی از
کادرهای حزبی، توطئه خائنانه رژیم سرکوبگر
جمهوری اسلامی را در زمینه جلوگیری از فعالیت
توده‌ای‌ها نقش بر آب کند. اکنون دیگر احدی
تردید ندارد که هدف سران مرتجع جمهوری اسلامی
از سازمان‌دادن پیورش فاشیستی به حزب ما، آن هم با
کمک مستقیم سازمان جاسوسی آمریکا، وارد آوردن
چنان ضربه‌ای به حزب بود که بتواند حزب ما را
برای همیشه از صحنه سیاسی ایران کنار بگذارد.
اما، ارتجاع داخلی و امپریالیسم کور خوانده
بودند. حزبی را که ریشه در اعماق جامعه دارد،
حزبی را که طی ۴۵ سال مبارزه در راه آزادی
زحمتکشان و سعادت آنها هزاران قربانی داده و آتی
پرچم نبرد را بر زمین نگذاشته است، نمی‌توان با
قتل و شکنجه و زندان از بین برد. توده‌ایها که در
گذشته بارها این حقیقت را در عمل اثبات کرده
بودند، این بار نیز با فداکاری و ازجان گذشتگی و
ایثار بی‌مانند خود نه تنها توطئه ارتجاع و
امپریالیسم را خنقی کردند، بلکه با طرد مشتکی
واژه سیاسی - که می‌کوشیدند از پشت به حزب
بقیه در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!



از میان نامه‌ها

– امروزه ۱۵ بهمن است و من از نویسندگان نامه می نویسم. دوازده روز قبل این شهر نیز بمباران شد و آواره تر شده ایم. روزها را در زمین های کشاورزی اطراف و شب ها را در خانه می گذرانیم.

– شهر کاملا خالی است. چند ماهی است که بدلیل تعطیل مراکز اداری در کرمانشاه نامه تو بدست من نرسیده. بهرحال دیگر نامه ننویس، چون بیفایده است و معلوم نیست برسد. شاید هم وقتی برسد که در اثر بمباران دیگر گیرنده ای وجود نداشته باشد.

– حالا که این نامه را می نویسم، متأسفانه در شهر خود کرمانشاه نیستیم. هیچ کس در شهر ساکن نیست و اکثریت مردم به غارها و کوه های اطراف پناه برده اند. کسانی هم که توان مالی بیشتری داشته اند به روستاها و شهرهای اطراف کوچ کرده اند. شهر شکل مرده ای را بخود گرفته است. هیچ اداره ای باز نیست. حتی مراکز پست و تلگراف و تلفن به دلیل استعفا و یا سرپیچی کارکنان تعطیل شده اند. آنها هم دست زن و بچه های خود را گرفته اند و به بیابان ها پناه برده اند.

– در چهره های همه، که از گرسنگی و سرمای زمستان است، نفرت از جمهوری اسلامی موج می زند. دیگر شنیدن شعار مرگ پر خمینی چیزی کاملا عادی است. حتی کودکان نیز این شعار را تکرار می کنند. مردم در شرایط سخت و بدی زندگی می کنند. تنها راه پایان دادن به این شرایط وحشتناک، پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی است.

– ماه گذشته در یکی از روستاهای اطراف کرمانشاه پیرمردی از گرسنگی مرد. مردم این خبر را دهان به دهان بازگو می کردند و اشک می ریختند.

زخمی‌ها را جا گذاشتند

به نیروهای که در عملیات کربلای ۵ و ۶ شرکت داشتند دستور داده شده بود که هنگام عقب نشینی از آوردن زخمی ها، چه آنهایی که زخم سطحی داشتند و چه آنهایی که زخم غیر سطحی داشتند، خودداری کنند. در نتیجه، تعداد زیادی از کسانی که امید نجاتشان وجود داشت، کشته شدند.

در سالی که گذشت، حزب مامیچان به مبارزه علیه اپورتونیزم "چپ" و راست با موفقیت ادامه داد. حزب ما با قاطعیت انقلابی موعظه های مشتی و ازدهه سیاسی را که می کشیدند توده ایها را از موضع اصولی مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری منحرف و بسوی رفرمیسم بکشاند و در آخرین تحلیل به تسلیم در برابر ملت گرایی بورژوازی و ادار سازند، افشا کرد و با طرد عناصر ناشایست پایه های حزب را استحکام بخشید و نیرو و وزن آن را دوچندان کرد.

در سالی که گذشت تعداد نشریه های منتشره از طرف هسته های جداگانه حزبی روبه افزایش گذارد. ما تردیدی نداریم که این روند در سال جدید دامنه وسیع تری خواهد یافت. دستاوردهای حزب در راه احیای هسته های حزبی در سال گذشته، اگر چه چشمگیر است، ولی هنوز کافی نیست. هنوز تعداد زیادی از مبارزین توده ای برکنار از مبارزه مانده اند. وظیفه فرد فرد اعضای حزب است که با دین نظر گرفتن رهنمودهای کنفرانس ملی در راه ایجاد هسته های حزبی کوشا باشند. در این باره ایجاد هسته های مخفی در کارخانه های بزرگ نقش درجه اول دارد. زیرا فقط در اینصورت است که ما می توانیم سازمانده واقعی مبارزه پیشروترین طبقه - یعنی طبقه کارگر و متحدان آن - باشیم.

نیروی حزب در وحدت یکپارچه و انضباط آگاهانه است. باید، سال جدید را به سال مبارزه در راه تحکیم هر چه بیشتر انسجام و وحدت درونی حزب مبدل سازیم. در عین حال ما باید همچنان در راه بسیج و اتحاد همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک در جبهه واحد که کارگران و دهقانان استخوانبندی آن را تشکیل خواهند داد بکوشیم. موفقیت در این عرصه نیز قبل از هر چیز به تحکیم حزب بستگی دارد. بنابراین در راه تحکیم حزب و حفظ نقش مستقل آن بطوریکه بتواند در شرایط چرخش های شدید و تغییر اوضاع و احوال مسلط بر اوضاع باشد، کوشا باشیم.

مسئله عمده برای هسته های حزبی رازداری و مراعات انکید اصول لنینی پنهانکاری است. مادر محاصره دشمنانی که قصد نابودی ما را دارند، مبارزه می کنیم. در چنین شرایطی انضباط آهنین، مراعات پنهانکاری، ضامن پیکار موفقیت آمیز است.

پایه و اساس فعالیت سازنده انقلابی حزب و تکامل آن بمثابة یک ارگانیزم سیاسی زنده، مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است. وظیفه فرد - فرد توده ایهاست که در سال آینده نیز مانند سال گذشته علیه هر گونه آشفتگی اندیشی و تزلزل و انحراف از ایدئولوژی و جهان بینی حزب مبارزه قاطع کنند. زیرا فقط با تشدید این مبارزه است که ما یکپارچگی ایدئولوژیک صفوف حزب، بمنزله حزب طراز نوین طبقه کارگر را تأمین خواهیم کرد.

نیروی حزب در وحدت ...

روزها و سیامک ها، انوشها و افضلی ها خنجر بزنند - راه را برای احیای مجدد سازمانهای حزبی و فعال ساختن آنها هموار ساختند. بحث می توان گفت که در این راستا تشکیل کنفرانس ملی بزرگترین دستاورد بشمار می رود. کنفرانس ملی با بررسی همه جانبه سیاست حزب در گذشته و تعیین خطاها و نارسائی هایی که زائیده وضع بفرنج جامعه مایس از انقلاب بهمن ۵۷ بود، توانست استراتژی و تاکتیک نوین حزب را در شرایط کنونی تعیین، تنظیم و تصویب کند.

می توان به جرأت گفت که اسناد و مدارک مصوب کنفرانس ملی محصول انطباق خللق مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط مشخص تاریخی جامعه ماست. از حزبی که به حیثیت سیاسی خود پایبند است و نسبت به مواضع برنامه ای اش با مسئولیت کامل برخورد می کند، جز اینهم نباید انتظاری داشت.

قدرت هر حزب مارکسیستی - لنینیستی قبل از هر چیز با نیروی نفوذ آن روی توده های انبوه مشخص می شود. چنین نفوذی نیز زمانی می تواند تأمین گردد که شعارها و خط مشی سیاسی حزب مورد حمایت طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا قرار گیرد. این نیز فقط و فقط با در نظر گرفتن خواستهای واقعی توده های زحمتکش و دیگر گروه های اجتماعی ذینفع در انقلاب میسر است. کنفرانس ملی حزب توده ایران نیز در این راه پیشرفت و با نقد اشتباههای گذشته، راه آینده را ترسیم کرد.

کنفرانس ملی تحکیم پیوند با زحمتکشان، پرورش طبقاتی و آموزشی و آماده کردن آنها برای مبارزه انقلابی در راه سرنگون کردن رژیم را مهمترین وظیفه حزب تعیین کرد. در این زمینه هدایت زندگی سیاسی و متشکل ساختن فعالیت های خود بسوی لایه های انبوه مردم در راه دستیابی به هدف های انقلابی، نقش حساسی دارد. اجرای این وظیفه سنگین فقط با گسترش فعالیت هسته های حزبی و تشدید مبارزه امکان پذیر بود. پایان موفقیت آمیز کنفرانس ملی روح تازه ای به اعضای حزب که در شرایط بس دشوار ترور و اختناق پیکار می کنند، بخشید.

در سالی که گذشت بر تعداد هسته های حزبی در سراسر کشور افزوده شد. اکثریت قاطع اعضا و هواداران حزب که در تدارک اسناد و مدارک کنفرانس ملی شرکت فعال داشتند، بر خط مشی جدید حزب در عرصه های سیاست داخلی و خارجی صحه گذاردند. اینکه با وجود فشار روز افزون نهادهای سرکوبگر، هسته های حزبی توانستند در مدت کوتاهی همه اسناد و مدارک مصوب کنفرانس ملی را به مقیاس نسبتا گسترده ای در داخل کشور پخش کنند، دلیل بارز حضور هر چه فعالتر حزب در عرصه سیاسی است.

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

ایران در سالی که . . .

حراج نفت - آن هم با تخفیف ۲ تا ۵ دلار در هر بشکه - برای تامین هزینه های سرسام آور جنگ، عبارت بود از رکود بی سابقه تولید و تعطیل بخش بزرگی از صنایع وابسته و بیکاری توده ای کارگران و زحمتکشان. براساس آمارهای وزارت کار و امور اجتماعی چرخ تولید بیش از ۱۷۰۰ کارگاه، خواه کوچک و خواه بزرگ، در سراسر کشور از حرکت باز ایستاده است. هم اکنون صوف بیش از ۵ میلیون ارتش بیکاران آشکار و پنهان را کارگران و زحمتکشان پر می سازد.

ادامه جنگ

در سال ۶۵، سردمداران مرتجع رژیم، پسرکردگی خمینی، همچنان بر طبل جنگ کوبیدند و برای اجرای نقشه های توسعه طلبانه خود، در راه هرچه بیشتر نظامی کردن اقتصاد کشور تلاش ورزیدند. ثمره پیگیری این سیاست جز خسارت های عظیم جانی و مالی تازه نبود.

یکی از ویژگی های فاجعه بار جنگ در سال ۶۵ عبارت بود از: " جنگ خونبار شهرها " یعنی فروباریدن بمب و گلوله و آتش بر سر مردم بی دفاع دو کشور و ویران سازی واحدهای تولیدی و صنعتی. براساس آمارهای منتشر شده، در این سال رقم کشته های ایران به ۶۰۰ هزار تن و عراق به ۴۰۰ هزار تن و تعداد زخمی های دوطرفه به مرز سه میلیون تن رسید. شمار آوارگان جنگی تنها در ایران، از مرز ۲ میلیون تن گذشت و خسارت های جنگی ایران بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار گردید. تنها ۱۰۰ هزار و ۶ میلیون دلار خرج ادامه جنگ می کند.

در سال ۶۵، رژیم برای تامین گوشت دم توپ، کارزارهای بکیر و بوند جوانان و نوجوانان و فربیکاری خود را در ابعاد بی سابقه ای گسترش بخشید. در عین حال، موج مخالفت توده های مردم با ادامه جنگ، به اشکال گوناگون، از جمله نظاهرات، فرار از جبهه و تن زدن از کمک به جبهه ها و تازه ای گرفت.

در سال ۶۵ دنگر نش نسبت به جنگ، ایران و عراق، یعنی یکی از خونبارترین جنگ های بعد از جنگ جهانی دوم، قابل "بیز بود: نگرش اردوگاه صلح و سوسیالیسم که خواهان قطع فوری جنگ و حل اختلافات بر سر میز مذاکره و نگرش اردوگاه امپریالیسم و ارتجاع که طالب فر، ان ماندن شعله های این جنگ هستند. سخنان رفیق گرومیکودایر بر اینکه پنج سال مذاکره بهتر از یک روز جنگ است، بازتاب نگرش معقول و مسئول اردوگاه صلح و سوسیالیسم و اظهار امیدواری یک مقام اسرائیلی مبنی بر اینکه " امیدوارم جنگ همچنان تا ۲۰ سال دیگر ادامه یابد " و یا نظر هنری کیسینجر بر این پایه که " تنها جنبه تاسف آور این وضعیت آنست که تنها یکی از طرفین بازنده شوند " منعکس کننده نگرش و تمایل اردوگاه امپریالیسم و ارتجاع بود.

کارگران و دهقانان

در سال ۶۵، نداشتن امنیت شغلی، به یکی از حادترین مسائل کارگران کشور ما، بویژه در واحدهای تولیدی وابسته تبدیل گردید و در اثر کمبود و نبود مواد اولیه، قطعات یدکی و نیم ساخته ها، اخراج و باز خریدهای فردی و جمعی ابعاد گسترده و بی سابقه ای بخود گرفت.

در سال ۶۵، لایحه کار منتشر شد. این لایحه علیرغم عقب نشینی های آشکار رژیم در برخی زمینه ها، همچنان پاسخگوی منافع و خواست های واقعی کارگران نیست.

در سال ۶۵، جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران در راه دستیابی به خواست های برحق خود از جمله در راه افزایش دستمزد، پایان دادن به اخراج و باز خرید، رسیدگی به وضع مسکن، بهداشت و درمان و تدوین قانون کار منطبق با خواست هایشان همچنان با تلاطم معینی ادامه داشت. جلوه هایی از مبارزات کارگران در واحدهای تولیدی، بازتاب زرقش آگاهی و هوشیاری آنان بود. از آنجمله است اعتراض به تبدیل خط تولید صنعتی به خط تولید نظامی، اعتراض به کسر حقوق و دستمزد برای جبهه و مقاومت در برابر باز خرید.

در سال ۶۵، در نتیجه سیاست و عملکرد ضد ملی و ضد مردمی رژیم همچنان سیل واردات کالاهای کشاورزی، همانند گندم و برنج، بگونه ای فزاینده ادامه یافت. مسئله ارضی لاینحل ماند، دادگاه های شرع و محاکم قضائی با صدور احکام جاپرانه خود زمین ها را از دهقانان باز پس گرفته و دودستی تحویل مالکان و فئودال های فراری دادند و دهقانان بی زمین و کم زمین و حتی قشرهایی از دهقانان میانه حال زیر فشار زمینداران بزرگ و رژیم مدافع آنها بسوی ورشکستگی و خانه خرابی کشانده شدند. در این سال موج مهاجرت از روستاها به شهرها همچنان ادامه داشت.

در سال ۶۵، جنبش دهقانی هرچند با افت و خیز، کماکان به پیش رفت و اساسا حول محور مقاومت در برابر خان ها و فئودال ها و زمینداران بزرگ و خواست اصلاحات ارضی ادامه یافت.

گرانی و تورم

در سال ۶۵، گرانی سرسام آور، تورم تازنده و کمیابی وسیع مایحتاج ضرور بیش از پیش امان از کارگران، دهقانان و زحمتکشان برید. سطح درآمدها و دستمزدهای اکثریت محروم مردم با سطح قیمت های روبه افزایش به هیچ وجه همخوانی نداشت. از اینرو زحمتکشان روزها، هفته ها و ماه های بسیار دشواری را در نداری و بیکاری و گرسنگی و درپردری بسر بردند.

از سوی دیگر، چپاولگران اجتماعی با حمایت رژیم به غارت دسترنج رنجبران و افزودن بر حجم نقدینگی عظیم خود پرداختند. آمار مربوط به تمرکز بیش از ۹۵ درصد کل نقدینگی موجود در دست ۲ درصد اهالی کشور، منعکس کننده این واقعیت تلخ و جانگزااست.

سپردن کار مردم به " مردم " در سال ۶۵، روند سپردن امور به بخش خصوصی در رشته های گوناگون اقتصاد کشور، از جمله صنایع، معادن و کشاورزی ادامه یافت. برای باز شدن دست بخش خصوصی در امر آموزش و پرورش و تحکیم شالوده های آموزش طبقاتی لایحه ای تحت عنوان " لایحه مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش " از تصویب گذشت. تصویب این لایحه به فعالیت بخش خصوصی در امر آموزش و پرورش - که در سال های اخیر بطور غیرقانونی و برخلاف قانون اساسی آغاز شده بود - قانونیت بخشید.

بدینسان در حالی که بچه های دست اندرکاران بانفوذ ج.ا.ا در بهترین مدارس خصوصی سرگرم تحصیل شدند، صدها هزار کودک لازم التعلیم پشت در مدارس ماندند و یا در مدارس دو شیفته و سه شیفته با امکان های نازل آموزشی به تحصیل پرداختند.

ترور و اختناق و آزادی کسی

در سال ۶۵، ترور و اختناق، سرکوب خلق ها و آزار و دستگیری و شکنجه و اعدام مخالفان همچنان ادامه داشت. در این سال رژیم امکان ها و زمینه های فعالیت نهادهای سرکوبگر و تروریسم دولتی را گسترش بخشید و هر بانک آزادیخواهانه و مخالفت حق طلبانه ای را بدستبند و شکنجه و زندان پاسخ داد.

در سال ۶۵ رژیم در هراس از گسترش فعالیت نیروهای انقلابی و مترقی در بین توده های مردم، یورش های خونین جدیدی را سازمان داد. از آنجمله بود: یورش به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دستگیری بیش از هزار تن از اعضاء و کادرهای آن.

در عین حال شایان ذکر است - در جریان افشای سفر مک فارلین و بالاگرفتن اختلاف ها و درگیری ها در درون حاکمیت موج دستگیری و بازداشت و شکنجه حتی دامن اطرافیان منتظری و وابستگان به آنها را نیز گرفت و " منطق کوبنده " شکنجه گران " اسلام پناه " سبب ساز ظاهر شدن از جمله مهدی هاشمی و مولوی نظر محمد دیدگاه، نماینده ایران شهر بر صفحه تلویزیون گردید.

اعتصاب غذا و ملاقات زندانیان سیاسی در اعتراض به پایمال سازی ابتدائی ترین حقوق انسانی، زیستی و قضائی در زندان ها، یکی از جلوه های عالی و پراهمیت جنبش مقاومت قهرمانانه فرزندان اسیر خلق در سال ۶۵ بود. در جریان اعتصاب هرچند گروهی از زندانیان سیاسی به جوخه اعدام سپرده شدند، ولی سرانجام رژیم ناگزیر به عقب نشینی های معینی گردید.

کار در میان دهقانان: انتخاب شعارهای تاکتیکی،

افشاگری و سازماندهی اتحادیه‌های دهقانی

در شرایطی که دهقانان زحمتکش ایران در بسیاری از روستاها بر ضد خان و مالک غارتگر و ماموران سفاک جمهوری اسلامی به پیکارهای بی‌امان خود ادامه می‌دهند و با خون خود چهره انقلابی روستا را همچنان حفظ می‌کنند، در شرایطی که رزمندگان روستایی برای زمین و آزادی و زندگی بهتر تا پای جان ایستاده‌اند، اما به سبب بی‌شکلی و پراکندگی مبارزه غالباً زیر سرکوب فرساینده دشمن قرار دارند، در چنین شرایطی، کار انقلابی در میان دهقانان ضرورت می‌یابد و از اهمیت بس خطیری برخوردار است. زیرا هرگاه سازمانهای انقلابی کشور، صرفنظر از اختلاف‌های موجود، با قبول هدف مشترک آزادساختن دهقانان زحمتکش از غارت و استثمار خانها و بزرگ مالکان و متشکل کردن آنان در سازمانهای انقلابی دهقانی به صورت هماهنگ عمل کنند، آنگاه سنگ پایه شکل‌گیری بخشی از "جبهه متحد خلق" که تشکیل آن پیش شرط اصلی هرگونه اقدام برای رهایی کشور از ارتجاع و استبداد "ولایت فقیه" است، در روستاهای کشور گذاشته خواهد شد.

در قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران درباره این وظیفه خطیر چنین آمده است:

"با در نظر گرفتن گسترش مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان و خانها، ایجاد هسته‌های حزبی برای کار در میان دهقانان تبه دست - خصوصاً مراکز مهم مبارزه دهقانی - بمثابة نزدیکترین متحدان طبقه کارگر، ضرورت دارد. این هسته‌ها ضمن اجرای وظایف حزبی و سازمانی خود وظیفه دارند که برای رهبری مبارزه دهقانان و پیشبرد این مبارزات، جهت متشکل کردن دهقانان زحمتکش در سازمانهای محلی - صنفی بکوشند. تشکل دهقانان در این سازمانها و پیوسته در اتحادیه‌های دهقانی که بمنزله ستون فقرات قدرت توده‌های روستایی است، به دهقانان امکان می‌دهد که در وجود سازمانهای خود به جبهه متحد خلق پیوندند."

چنانکه می‌دانیم شرط مقدماتی اصلی هرگونه فعالیت انقلابی: در میان دهقانان، اقدام به شناخت دهقانان - شناخت زندگی، سنت‌ها و مبارزات آنان - است. در شرایط کنونی، این شناخت از جمله متوجه این منظور است که شعارهای تاکتیکی مبارزه، امم از شعارهای روز، شعارهای محلی، صنفی - سیاسی دهقانان، به درستی مشخص و تعیین شوند و در امر گسترش و تعمیق جنبش دهقانی و ایجاد تقویت سازمانهای توده‌ای روستایی مورد بهره برداری قرار گیرند.

در حقیقت خواستها و مطالبات و گرایش‌های برحق دهقانان زحمتکش که بطور بالقوه می‌توانند منشاء شعارهای تاکتیکی مبارزات آنان باشند، بسیار متنوع و گوناگونند و طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند. چراکه این‌خواستها از تهیدستی، طلق و تیره روزی دیرپای دهقانان و از محرومیت‌های فراگیر آنان

رشته مبارزات متشکل و پیوسته و تداوم یابند. دهقانان تهیدست مبدل گردد. منظور از "شرايط معين" قبل از هر چیز، شرايطی است که بموجب آن:

- در میان زحمتکشان ده مفروض - یعنی در میان دهقانان تهیدست و میانه حال، کارگران کشاورزی، روشنفکران و سایر زحمتکشان - یا خارج از جمع آنان، عناصری آگاه و با سابقه، مورد قبول دهقانان که بتوانند ارتباط با سازمانهای حزبی نقش آغازگر و ادامه دهنده - ولو موقتی - مبارزات محلی را ایفا کنند، حضور داشته باشند.

- عناصر مخالف محلی و مزدوران ارباب در جمع اهالی ده منزوی و محدود باشند و یا محدود کردن و بی‌اثر کردن مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها به سادگی میسر باشد.

- ساکنان روستاهای اطراف، در مجموع، در قبال مبارزان برخورداری مثبت و موافق داشته باشند.

- در مراحل اولیه مبارزه، دشمن نتواند به اردوکنشی‌های شکننده قهرآمیز بر ضد مبارزان دست یازد و دهقانان فرصت یابند مواضع خود را در داخل و خارج از ده تقویت کنند.

- موقعیت ده، از جهت مختلف، به گونه‌ای باشد که بتواند به عنوان کانون مبارزات محلی دهقانان، ساکنان زحمتکش روستاهای پیرامون را تحت تاثیر انقلابی قرار دهد.

در صورت وجود چنین شرایطی، هسته‌های حزبی مسئول باید بیدارنگ شروع به کار کنند و به تدارک مقدمات پردازند. برای این منظور باید ترتیبی بدهند که با یکی دو نفر از افراد با سابقه و مورد اعتماد و آشنا به خصوصیات محلی تماس‌های لازم را برقرار کنند و پس از آن که اصل مطلب، یعنی فراخواندن دهقانان زحمتکش محل به پیکار و اقدام به مبارزه متحد و متشکل و پیگیری علیه مالک مورد تایید آنان قرار گرفت، درباره آن وظایفی که این افراد - "رابط" ها - در ده برعهده خواهند داشت گفتگوهای لازم به عمل آید و با رعایت همه موازین پنهانکاری قرار کارها گذارده شود. اهم وظایف مورد بحث عبارت است از: تشکیل و برگزاری جلسات محلی مرکب از آگاهترین و مطمئن‌ترین عناصر ده که حضور آنان در جلسات مقدماتی لازم باشد با رعایت ملاحظات ایمنی و امنیتی به تصمیم‌گیری درباره هدف مبارزه، برنامه و شیوه کار، انتخاب نماینده یا نمایندگان که بتوانند به صورت غلبنی و قانونی تصدی کارها را برعهده گیرند، دعوت از افراد واجد شرایط دیگر به جلسات بعدی و جلب حداکثر آنان به مبارزه مشترک، پیش‌بینی هزینه‌های اضطراری و ترتیب تأمین وجوه آن، و مسایل دیگر...

هرگاه اینگونه وظایف با موفقیت به مورد اجرا گذارده شود، آنگاه سنگ اول بنای یک سازمان توده‌ای (خلقی) دهقانی - اتحادیه دهقانی ... در روستاها گذاشته می‌شود. دهقانانی که بدینسان به تشکیل اتحادیه خود اقدام کرده‌اند،

در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سرچشمه می‌گیرد، خواستهایی که طی قرون و اعصار پرورده شده و اینک در جوانان انقلابی جامعه ما فرصت بروز یافته است. با این همه، در هر محل و در میان جمعیت‌ها، صنف‌ها، گروه‌ها و قشرهای اجتماعی دهقانان، و در لحظه‌های معین، از میان انبوه مطالبات، خواست یا خواسته‌های معینی از مهد زندگی توده‌ها می‌جوشد و برمی‌آید و به مرز انفجار می‌رسد. در حالی که گرایشهای دیگر، در آن لحظه، در درجات بعدی اهمیت قرار می‌گیرد. هرگاه سازمانهای انقلابی به کشف این خواسته‌های غالباً انفجارناپذیر دست یابند و آن را شالوده طرح شعار تاکتیکی روز قرار دهند، می‌توانند در جلب جمع ببقراری که پشت سر آن خواستها و آن شعار ایستاده‌اند توفیق یابند و با تداوم منطقی کار توده‌ها را به مبارزات سازمان یافته رهنمون شوند و پیکارها و تشکل‌های توده‌ای را به سطوح گسترده‌تر و درجات بالاتر فرارویانند. چنانکه، مثلاً، شعارهایی از قبیل "تأمین آب آشامیدنی (پا زراعی)"، "ایجاد راه روستایی"، "زدن یک پل"، "ساختن یک مدرسه"، "یک درمانگاه یا یک حمام"، "تجدید انتخاب شورای ده"، "مصادره اراضی یا ضبط محصول یک خان"، "محاکمه و مجازات یک زاندارم تبهکار" و نظایر آن، هر یک در جای خود و مشروط به سوابق معین می‌توانند، به رغم انبوه خواستها و طلب‌ها، توده‌های روستایی را به پیکارهای تند و پیگیر و پر دامنه‌ای بکشاند.

این نکته نیز شایان توجه است که در شرایط خفقان و سرکوب، چه بسا مبارزات محلی دهقانان در مرحله معین به نتایج مطلوب نینجامد. این امر نباید برای نیروهای انقلابی "غیرمنتظره" و یاس آور باشد. در چنین حالتی هرگاه عناصر مبارز و آگاه محلی به علل شکست‌ها و ناکامی‌ها، بطور کلی، شناخت حاصل کنند و از جمله ماهیت نظامها و نقش نهادهایی چون دولت و دستگاه سرکوب آن را تا حد لزوم بشناسند، و بر شالوده این شناخت کلی، به علل خاص ناکامی خود در مبارزه مشخص بی‌ببرند، آنگاه، چنانکه تجربه نشان داده است، همین عناصر، به جای آن که مایوس و پراکنده گردند، با هزار امید در جمع دهقانان به روشنگری می‌پردازند و آمادگی خواهند داشت که در نخستین فرصت حرکت بعدی دهقانان را با ابعاد گسترده تری سازمان دهند.

گذشته از ویژگی‌هایی که در محل معین، در برخورد با جمعیت معین، و در لحظه معین، می‌تواند پیکارهایی را برانگیزد یا دامن زند، در شرایط کنونی که روند بازگشت غارتگرانه خانها و ملاکان به روستاها و صدور احکام "دادگاهها" به سود آنان، به انگیزه اصلی مبارزات دلیرانه، اما پراکنده و بی‌شکل دهقانان در بسیاری از روستاها مبدل شده است، همین انگیزه می‌تواند، در صورت وجود شرایط معین به شعار تاکتیکی یک

ایران در سالی که گذشت

بقیه از صفحه ۳

آزاد و مستقل ادامه داد و در راه حل مسائل داخلی افغانستان سنگ اندازی کرد.

کشمکش جناحها

در سال ۶۵، اختلاف ها و کشمکش های جناح ها در درون حاکمیت همچنان بالا گرفت تاجایی که در هرم حاکمیت نیز جلوه آن از جمله در خالی کردن زیر پای منتظری دیده شد.

در سال ۶۵، پایگاه طبقاتی رژیم همچنان تنگ تر و تنگ تر گردید و لایه های نوینی با شناخت ماهیت حکام مرتجع و خائنان به آماج های انقلاب، از پیرامون آن کنده و بسوی خلق و مواضع مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی کشانده شدند. در تشدید این روند پویزه افشای بند و پست رژیم با امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیل نقش پر اهمیتی داشت.

با ارزیابی مجموعه رویدادهای کشور در سال ۶۵، با از نظر گذراندن گرایش طبقاتی نیروهای اجتماعی، توان و وضعیت رژیم، نقاط ضعف و قوت جنبش، بدرستی باید تاکید کرد اگر در سال ۶۶ جنبش از رهبری پیگیر و برنامه انقلابی برخوردار شود، با توجه به بحران حاد اقتصادی - اجتماعی رژیم می توان، انتظار سال پر بارتری برای شکوفایی جنبش توده ای خلق های ایران داشت.

در آستانه بهار و سال نو ایستاده ایم با دستی سرشار از نیکخواهانه ترین گل های امید و آرزو. اگر گل های امید و آرزوی خود را با خوش بینی واقعگرایانه و عزم پیکار جویانه و پیوند طلبانه از گلزار جنبش خلق چیده باشیم، بدون تردید گام بلندی بسوی پیروزی بر خواهیم داشت.

✱

سیاست خارجی

در سال ۶۵ در عرصه سیاست خارجی، رژیم با به نمایش گذاردن خصلت ضد کمونیستی خود، همچنان در راه نزدیکی به امپریالیسم و ارتجاع گام برداشت. افشای سفر مک فارلین، مشاور سابق امنیتی ریگان به ایران، - بعنوان یکی از نتایج مبارزه جناح ها بر سر قدرت - پرده از بند و پست های پشت پرده رژیم با امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی برداشت. توده های مردم این بار در عرصه ای دیگر دریافتند که خائنان به آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب در راه ادامه جنگ و پیشبرد نقشه های توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خود تن به هر خیانتی می دهند. رژیم که در حرف از مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی دم می زند، در عمل، با کاربست دیپلماسی مخفی، راه احیای مناسبات امپریالیسم آمریکارا هموار می کند. چنانکه افشا گردید، امپریالیسم آمریکا نیز بنوبه خود در راه دستیابی به مواضع از دست رفته اش، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و نی کند و تحویل جنگ افزار به ایران دقیقاً در این چارچوب صورت گرفته است.

یکی از پیامدهای معامله اسلحه ایران و امپریالیسم آمریکا به میانجیگری اسرائیل، واریز سود ۲۰ میلیون دلاری محمولات نظامی تحویل داده شده به حساب بانکی ضد انقلابیون نیکارگو است. عنصر دیگری از مغازه ج.ا. با امپریالیسم عبارت بود از نقش رژیم بعنوان واسطه تحویل سلاح از آمریکا به ضد انقلابیون افغانی.

در سال ۶۵، رژیم با سازماندهی و مسلح کردن و آموزش دادن ضد انقلابیون افغانی همچنان بی شرمانه در امور داخلی افغانستان دمکراتیک

می توانند در جلسات عمومی خود تصمیم های اساسی دیگری نیز بگیرند، از جمله:

- از نماینده یا نمایندگان منتخب خود "تا آخر" حمایت کنند و در صورت لزوم خانواده های آنها - و همه خانواده های دهقانی آسیب دیده از مبارزه - را مورد حمایت و سرپرستی قرار دهند؛

- به "اتحادیه" خود وفادار باشند، برای حفظ و تقویت آن از هیچ کوششی دریغ نکنند و با توطئه های دشمنان و بداندیشان در ایجاد تفرقه میان زحمتکشان مقابله کنند؛

- دامنه مبارزه را به روستاهای دیگر نیز بکشانند و نبرد مشترک زحمتکشان روستاهای مجاور را بر ضد دشمنان مشترک گسترش بخشند و سازمان دهند.

اتحادیه دهقانی - که استخوان بندی آن را دهقانان تهیدست (یا "کمینه" دهقانان بی زمین و کم زمین) تشکیل می دهند - در همه مراحل مبارزه، سیاست حفظ و تقویت همبستگی با دهقانان میانه حال را دنبال خواهد کرد و در جلب این زحمتکشان به اتحادیه، مساعی لازم را به عمل خواهد آورد. حتی اگر این دهقانان به علی خواستار به دست آوردن سهمی از زمین مالک باشند، باید با آنها به توافق معقول دست یافت. اتحادیه همچنین باید بکوشد تا اکثر زحمتکشان ده (اعم از دهقانان زحمتکش، روشنفکران و کارگران ده) را در سازمان خود متشکل سازد و به آنان میدان فعالیت بدهد، بویژه روشنفکران محلی و کارگران ده نشین را در اداره اتحادیه شرکت دهد. همچنین حتی الامکان بکوشد که دهقانان میانه حال را بی طرف نگه دارد.

برای تامین چنین هدفهایی است که اتحادیه باید علاوه بر شعار اساسی مربوط به زمین، یک رشته خواسته های اجتماعی - اقتصادی، رفاهی، سیاسی و عمرانی محل را که مورد توجه و علاقه مشترک و مبرم ساکنان ده باشد و آنان را به مبارزات مشترک محلی جلب و علاقه مند کند، زمینه شعار خود قرار دهد.

روشن است که به اقتضای فصل، اقدامات عملی که اتحادیه برای پیشبرد مقصود به عمل می آورد، ممکن است متفاوت باشد. چنانکه، مثلاً هنگامی که زمستان در پیش است یک رشته اقدامات تبلیغی و افشاکاری در محل و روستاهای اطراف و نیز برخی اقدامات عملی در دستور کار قرار می گیرد. هم این اقدامات عبارت است از: گروه بندی دهقانان تهیدست، توافق با دهقانان میانه حال در مسایل ارضی و محلی تامین آب، قطعه بندی کشتزارها، برنامه ریزی کشت، اختصاص قطعات مختلف زمین به گروه های کشت، تامین بذر و کود و وسایل کار از انبارهای مالک و نیز استفاده مشترک از وسایل متعلق به دهقانان، اقدام به شخم پاییزه (یا زمستانه) و سایر عملیات کشاورزی فصل و بالاخره، تشکیل

شرکت تعاونی تولید کشاورزی و اقدام در تقویت آن.

همچنین در مراحل مختلف مبارزه و به اقتضای نتایج حاصل از آن، شعارهای روز ممکن است تغییر یابد یا علاوه بر آنها شعارهای جدیدی نیز مطرح گردد. چنانکه مثلاً در گبرودار مبارزه با مالک شعار "تجدید انتخاب شورای ده" یا "محاکمه و مجازات مالک" و نظایر آن می تواند به شعارهای قبلی افزوده شود. اما در هر حال همه این شعارهای تاکتیکی باید هماهنگ و در راستای شعارهای استراتژیکی حزب در مرحله معین از انقلاب باشند.

در پایان، باید تاکید شود، در شرایطی که پیکارهای محلی دهقانان به ضد مالکان بزرگ و

عوامل دولت - تیران دارد، حمایت وسیع و همه جانبه از دهقانان مبارز و افشاکاریها و تبلیغات وسیع در میان توده دهقانان، تقویت مبانی تشکل های دهقانی، تبدیل شعارهایی که احیاناً گیریایی یا اهمیت و تاثیر خود را از دست داده اند به شعارهای زنده تر، پویاتر و پرامنه تر؛ شناسایی عناصر مبارز و پیشرو در جمع رزمندگان و اقدام به متشکل کردن آنان در سازمانهای حزبی و اهتمام در پرورش ایدئولوژیکی و سیاسی آنان، و بهره برداری از آنها برای گسترش جنبش و ایجاد سازمانهای توده ای دهقانی در مراکز جدید روستایی، و نظایر آن از اهم وظایف هسته های حزبی در زمینه کار در میان دهقانان است که به اقتضای شرایط محل می تواند مورد توجه و اقدام قرار گیرد.

هم میهنان عزیز! با بکارگیری و بسیج همه امکانات خود به یاری ده ها هزار خانواده زندانیان سیاسی بشتابیم!

فراخوان هیات سیاسی کمیته مرکزی...

فراخوانی بسیارند، وظیفه همه ماست که بابرگزاری مراسم سال نو پاسخ دندان شکنی به گردانندگان این رژیم ضد ملی بدهیم.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزبی که به شهادت تاریخ همیشه در غم و شادی مردم میهن ما شریک بوده، آغاز سال نورابه همه زحمتکشان کشور تبریک می گوید و نیز همدردی عمیق خود را با کلیه خانواده های مصیبت زده ایرانی می دارد.

هم میهنان!

با پایان سال ۱۳۶۵ و آغاز سال ۱۳۶۶ یکسال دیگر از حیات نکبت بار جمهوری اسلامی سپری شد. ره آورد عملکرد رژیم ارتجاعی حاکم بر میهن مادر سالی که گذشت، تشدید بحران اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. پی آمدهای مخرب این بحران دامنگیر فرد - فرد توده های زحمتکش میهن ماست.

فقر و تنگدستی و بیکاری، کمبود مایحتاج اولیه زندگی، گرانی سرسام آور و تورم فزاینده، بی خانمانی و دربدری نتیجه مستقیم سیاست ضد خلقی رژیم است که نظام استبداد مذهبی قرون وسطایی را بر کشور ما مسلط ساخته است.

در سالی که گذشت، جنگ فرسایشی وارد هفتمین سال خود شده سیاست "جنگ، جنگ تا پیروزی" که رژیم منفور جمهوری اسلامی مبلغ آن است و نتیجه اش تشدید جنگ در جبهه ها و کشانده شدن آن به شهرها در سال گذشته بود، بزرگترین کشتارها و ویرانی ها را ببار آورد، صدها هزار کشته و زخمی و معلول در جبهه ها و پشت جبهه ها، ده ها شهر و هزاران روستا و مزرعه آسیب دیده، موسسات صنعتی نابود شده و میلیونها آواره جنگی، محصول این سیاست خائنانه هیئت حاکمه است. کمتر خانواده زحمتکشی را می توان یافت که یک یا چند قربانی در راه تحقق امیال تجاوزگرانه رژیم خمینی نداشته باشد. هیچ خانواده زحمتکشی نیست که بار سنگین جنگ و ویرانگری را بر دوش نکند و تاثیر مخرب آن را در زندگی روزانه خود حس نکند.

جنگ، شهرها و روستاها را ویران و گورستانها را "آباد" می سازد. گسترش بی سابقه دزدی، اعتیاد، قاچاق، رشوه خواری و فساد در جامعه از جمله عواقب اجتناب ناپذیر جنگی است که رژیم خمینی بر ادامه آن اصرار می ورزد.

سیاست میلیتاریزه کردن اقتصاد کشور که بخش اعظم درآمد ملی حاصل دسترنج زحمتکشان را می بلعد، جز به معنی غارت مستمر و قانونی بیت المال نبوده و نیست. میلیتاریزه کردن شئون اجتماعی - اقتصادی کشور شرایط تحکیم مواضع اجتماعی - سیاسی ارتجاعی ترین نیروها را در حاکمیت فراهم آورده و به تشدید هر چه بیشتر ترور و اختناق منجر گردیده است.

سیاست نظامیگری، فاصله میان نیازمندیهای توده ها و میزان ارضای این نیازمندیها را بطور مستمر شدت می بخشد. ناتوانی و عدم توجه محافل حاکمه به نیازهای روزمره مردم هر چه بیشتر آشکار می شود. ۲۲ گرم برنج، ۱۵ گرم

روغن، چند گرم قند و شکر و... چنین است چیره

روزانه یک انسان در جمهوری اسلامی - حال آنکه مشتی صاحبان ثروت از جمله از طریق احتکار و گرانفروشی، یعنی غارت آشکار و بی بند و بار میلیونها ایرانی هزارها میلیارد ریال ثروت اندوخته اند. بموجب آمار رسمی، ثروتی که این زالوهای اجتماعی طی هشت سال اخیر بدست آورده اند به ده هزار میلیارد ریال بالغ می شود. اگر این رقم نجومی را با سه هزار میلیارد ریال کل بودجه عمومی دولت مقایسه کنید، ژرفای خیانت رژیم حامی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بیش از پیش آشکار خواهد شد.

حزب توده ایران بادرک پی آمدهای مخرب جنگ، از مدتها پیش پیشنهاد پایان دادن به جنگ و انعقاد صلح عادلانه را مطرح کرد. ما می دانستیم که امپریالیسم آمریکا به عنوان آتش بیار جنگ و ذیفع در ادامه آن، به قصد فرسوده ساختن دو طرف درگیر و گسترش نفوذ خود، از هیچ کوشی فروگذار نخواهد کرد. ما می دانستیم که هدف امپریالیسم آمریکا احیا مواضع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود در ایران است. اما، سران رژیم بجای تحقق این پیشنهاد ما، یورشهای فاشیستی به حزب توده ایران را سازمان دادند و این بار نیز هزاران توده ای قربانی مبارزه در راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی واضح شدند.

در سالی که گذشت، با افشای ماجرای زد و بندهای پشت پرده خمینی و همدستانش با امپریالیسم تجاوزکار آمریکا و صهیونیست های اسرائیل، بار دیگر صحت ارزیابی حزب ما در زمینه گرایش مستمر رژیم بسوی امپریالیسم به اثبات رسید. تشدید فشار بر نیروهای ملی و مترقی - مبارزان راه سعادت توده های محروم محصول بلا واسطه این سازش پنهانی با امپریالیسم جهانی است.

در سالی که گذشت یورش وحشیانه به سازمانهای مترقی ادامه پیدا کرد. شکنجه و آزار زندانیان سیاسی حادث شد. باز هم گروهی از میهن دوستان یاب جوخه های اعدام سپرده شدند و با بر اثر شکنجه به قتل رسیدند.

در سالی که گذشت تضادهای اجتماعی شدت یافت. بسته شدن کارخانه ها و ورشکست دهقانان تهیدست، آئینه میلیونها ایرانی را تهدید می کند. سیر صعودی قیمت ها از سوئی و یائین بودن سطح دستمزدها از سوی دیگر، به فقر و تنگدستی در جامعه وسعت و گستره بی سابقه ای داده است. احدی به فردای خود امیدوار نیست. بدینسان نه فقط علل اجتماعی - سیاسی، بلکه همچنین علل اقتصادی، توده های میلیونی را به دفاع از حقوق و منافع خود برمی انگیزد.

کارگران!

شما به تجربه دریافته اید، آنجا که متحدان علیه رژیم زور و ستم بر خاسته اید، موفق بوده اید. باید با سازمان دادن اعتصابهای اقتصادی و سیاسی در هر موسسه صنعتی و ایجاد پیوند بین اعتصاب کنندگان موسسات جداگانه به منظور تبدیل آنها به اعتصاب همگانی، به مقابله با رژیم برخیزید. در این زمینه کارگران انقلابی و پیشرو وظیفه سنگین سازماندهی را باید بعهده گیرند. مبارزه متحد شما ضامن

پیروزی است!

دهقانان محروم!

رژیم بار دیگر مالکان بزرگ و خانها را بر جان و مال شما مسلط ساخته است. شما هستید که در کنار کارگران بیشترین قربانیها را در جبهه های جنگ می دهید. اجازه ندهید مشتی خائن به مصالح ملی از باورهای مذهبی شما برای اجرای مقاصد شوم خود بهره برداری کنند. از رفتن به جبهه ها سرپیچی کنید، همراه با برادران کارگر خود در صف واحد نیروهای مترقی و ملی علیه مظالم رژیم حاکم بپایخیزید!

کارمندان و روشنفکران مترقی و زحمتکش!

شما هستید که در براه انداختن چرخهای دولتی نقش موثر دارید، شما می توانید با فلج کردن دستگاه دولتی رژیم راه زانودر آورید! متحد شوید و از همه امکانات برای نبرد قطعی با رژیم ضد مردمی بهره گیرید!

مادران!

از اعزام فرزندان خود به جبهه، یعنی به کشتارگاههای رژیم خودداری کنید! شما زنان نصف جمعیت کشور را تشکیل می دهید و نقش برجسته ای در پیروزی انقلاب داشته اید. شما امروز نیز می توانید نقش مهمی در مبارزه علیه رژیم که زائیده انقلاب بود و بتدریج به ضد انقلاب تبدیل شد، ایفا کنید.

شما مادران و خواهران می توانید همراه با کودکان اکثرا بی سرپرست خود با سازمان دادن تظاهرات علیه رژیم جنگ افروز که فرزندان و برادران و همسران شما را قربانی هدفهای ضد انسانی خود می کند، بر زمیند. کلید نجات جان عزیزان شما در دست خود شماست!

دانشجویان و دانش آموزان مبارز!

دانشگاهها و مدارس همیشه سنگر مستحکم مبارزه علیه ارتجاع حاکم بوده است. این سنت تاریخی را احیا کنید، بگذار در دانشکده و هر دبستان و دبیرستان به سنگر تسخیرناپذیری علیه رژیم نکبت بار جمهوری اسلامی تبدیل گردد!

خواهران و برادران!

مبارزه برای نجات جان ده ها هزار زندانی سیاسی در بند که در راه آزادی و سعادت شما جانانشان در خطر است، وظیفه مقدس فرد - فرد شماست. مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی، یعنی پیکار علیه ظلم و ستم، یعنی نبرد علیه رژیم ترور و اختناق، یعنی مبارزه در راه آزادی و دموکراسی!

رفقای حزبی!

در هر کجا که هستید در راه افشای جنایتهای رژیم و سیاست ایران بر بادده آن از هیچ کوشی دریغ نکنید. شما وظیفه سنگین سازماندهی مبارزه توده های میلیونی را بعهده دارید، بکشید با همه نیروهای مترقی و ملی ضد رژیم زبان مشترک بیابید

گلوله بجای نان ...

دبیدسان موسوی به شکست سیاست رژیم درباره پایان دادن به جنگ از طریق حمله‌های "سرنوشت ساز" اعتراف می‌کند و آن را فکر خام می‌خواند. اما، آنجا که وی می‌گوید، این فکر خام را باید از "فکر دشمن" بیرون کرد، آشکارا سفسطه می‌کند. زیرا اندیشه خام پایان دادن به جنگ در سال ۶۵ - نه از طریق نخستین پشت میز مذاکره، بلکه از طریق ادامه آن - ساخته و پرداخته سردمداران رژیم بوده آنها، در برابر فشار افکار عمومی و اعتراض به ادامه کشتار و ویرانی، چنین وعده خامی را مطرح کردند و این موضوع هیچ ارتباطی با دشمن نداشت.

مادر همان ایام خدایب به مردم ایران گفتیم که این وعده رژیم فاقد پایه منطقی است و در چارچوب شعارهایی که حاکمیت ج.ا.م مطرح می‌کند، عملی نخواهد شد. ما خاطرنشان کردیم که بیکانه طریق پایان دادن به جنگ نخستین پشت میز مذاکره است. ما تاکید کردیم که ادامه جنگ فقط و فقط به نفع امپریالیسم آمریکا و متحد استراتژیک آن، یعنی دولت اسرائیل است. ما گفتیم، شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" با استراتژی واشنگتن در منطقه که هدف آن تضعیف هر دو کشور متخاصم و تحمیل اراده امپریالیسم جهانی بر خلقهای ایران و عراق است، همسوئی تام دارد.

ما اجرای "ایران - گیت" و زد و بندهای پشت پرده "تهران - واشنگتن"، صحت ارزیابی ما را اثبات کرد. اثنای ماجرای "ایران - گیت" نشان داد که وعده سران رژیم دایر بر پایان دادن به جنگ در سال ۶۵ از طریق پیروزی نظامی با زد و بندهای پنهانی با امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌های اسرائیل ارتباط مستقیم داشته است. خمینی و یارانش چنین تصور می‌کردند که با خرید یدکیهای پیچیده برای هواپیماهای نظامی ساخت آمریکا و نیز تجهیزات نظامی مدرن از قبیل موشکهای، ضد تانک و موشکهای زمین به هوا و زمین به زمین از آمریکا و اسرائیل موفق خواهند شد تکنیک نظامی عراق را از بین برده، با کمک واشنگتن و تل‌آویو جنگ را با پیروزی خاتمه دهند. برای رسیدن به این هدف بود که استقلال کشور ما مورد

معامله قرار گرفت. این سیاست ضد ملی هنوز هم ادامه دارد.

ادامه جنگ با وجود پی آمدهای مخرب آن همچنان در صدر برنامه دولت ضد خلقی قرار دارد. در این زمینه پیام خمینی - که بیش از همه در تئور جنگ ویرانگر می‌دمد - پیامی که در مراسم دهه فجر در بهشت زهرا خوانده شد، جلب نظر می‌کند. خمینی می‌گوید: "ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون برای اعلائی کلمه الله ایستاده ایم". صرف نظر از اینکه اکثر مردم میهن ما با این اظهار نظر خمینی مخالف هستند و معتقدند که جنگ میان مردم ایران و عراق - که هر دو مسلمان هستند - هیچ ارتباطی با "اعلائی کلمه الله" نداشته و ندارد، باید دید چرا و بجه علت مردم میهن ما باید "تا آخرین قطره خون" به جنگ ادامه دهند؟ خمینی می‌گوید: برای آنکه "حکومت نه شرقی، نه غربی را در اکثر کشورهای جهان پایه‌ریزی کنیم".

سلطه گری و جنگ افروزی از ویژگیهای امپریالیسم جهانی است و گفته‌های خمینی نشانگر آن است که سیاست رژیم حاکم بر میهن ما، در این زمینه نیز، با سیاست امپریالیستی همخوانی و همسوئی دارد. رژیمی که با هزاران رشته مرئی و نامرئی با دولتهای امپریالیستی پیوند دارد، بدون ذره‌ای شرم از سیاست "نه شرقی، نه غربی" سخن می‌گوید. ما اجرای "ایران - گیت" ماهیت واقعی سیاست "نه شرقی، نه غربی" را آنچنان که هست در برابر افکار عمومی ایران و جهان فاش ساخت و نشان داد که چگونه سران رژیم با برنامه‌ریزی قبلی در راستای تشدید وابستگی سیاسی و نظامی به امپریالیسم گام برداشته و برمی‌دارند. وانگهی، مردم ما مخالف هر گونه دخالت در امور دیگر کشورها زیر هر پوششی هستند. این مردم هر کشور و از جمله مردم عراق هستند که حق تعیین سرنوشت خود را دارند. خمینی بی‌سبب می‌کوشد تا از باورهای مذهبی برای تحقق امبار تجاوزگرانه بهره‌گیرد. توده‌های محروم جامعه ما با تجربه شخصی به ماهیت عوامفریبانه تزه‌های خمینی پی‌برده‌اند. مگر خمینی نبود که می‌گفت: "جنگ رحمت الهی است". ره‌آورد این رحمت برای میلیونها ایرانی چیست؟ گلوله بجای نانمین مایحتاج اولیه زندگی، کفن

بجای پوشاک. قبر بجای مسکن! چنین است معنی مفهوم "رحمت الهی" مورد نظر خمینی.

گسترش فقر و مسکنت و بی‌خانمانی در کشور، که ادامه جنگ یکی از عوامل آن است، بحدی رسیده که حتی سران رژیم نیز قادر به کتمان آن نیستند. چند روز پیش، منتظری در دیدار با اعضای شورای مرکزی کمیته امداد، از جمله گفت: "این انقلاب فداکاریهای مالی و جانی فراوانی داشته و شهدای بسیاری تقدیم کرده‌اند تا سرانجام انقلاب به پیروزی رسید، ولی فقر و محرومیت و ویرانیهای باقی مانده از رژیم گذشته پیش روی ما قرار گرفت و دنبال آن دشمنان اسلام جنگ را بر ما تحمیل کردند و با بمباران شهرها و مناطق مسکونی، خانه‌های مردم را ویران کردند".

در اینکه فقر و محرومیت ره‌آورد رژیم گذشته بود تردیدی نیست. مردم ایران قربانی دادند تا به این فقر و محرومیت و آزادی‌کشی پایان دهند. در این نیز تردیدی نیست که جنگ را امپریالیسم آمریکا به کشور ما تحمیل کرد تا از نوسازی جامعه جلوگیری کند. اما، باید دید چه کسانی موجب تشدید سرسام آور فقر و محرومیت شدند و به تبعیت از سیاست امپریالیسم آمریکا به جنگ ویرانگر ادامه دادند؟

بیش از هشت سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد. مردم میهن ما با فداکاری بی‌سابقه‌ای نیروهای متجاوز را از کشور بیرون راندند و شرایط بسیار مساعدی برای پایان دادن به جنگ به سود ایران فراهم آوردند. سؤال این است: چرا از آن فرصت طلایی برای پایان دادن به جنگ و انعقاد صلح عادلانه استفاده نشد؟ بجه علت سیاست امپریالیستی ادامه جنگ در دستور روز رژیم قرار گرفت؟ اگر به موقع خود به جنگ پایان داده می‌شد و ده‌ها میلیارد دلار درآمد نفت در خدمت نوسازی اقتصاد کشور قرار می‌گرفت، طبیعی است که میلیونها ایرانی امروز با فقر و مسکنت و بی‌خانمانی بی‌سابقه روبرو نمی‌شدند.

اکنون که کشور در نتیجه خیانت هیئت حاکمه به مصالح ملی با مشکلات عظیم اجتماعی - اقتصادی روبرو است، منتظری می‌گوید: "... باید هر کس، به هر نحوی که می‌تواند در رفع این کمبودها و جبران این خسارتهای اقدام نماید" و یا موسوی در پیام خود به مجمع بررسی علمی و فنی ساخت پناهگاه می‌نویسد: "اکنون ملت مسلمان ایران با قدرت و اراده الهی خود با سنگسازای در خانه و مدرسه و خیابان" باید "در برابر توطئه استکبار جهانی و صدام بایستد و مقاومت کند".

وقتی منتظری و موسوی اعلام می‌کنند که دولت هیچ مسئولیتی در قبال مردم ستم‌دیده برای خود قائل نیست و از توده‌های تحت ستم می‌خواهند تا راساً برای رفع مشکلات ناشی از سیاست ضد خلقی رژیم اقدام کنند، معنایش جز اعتراف صریح به ورشکستگی رژیم نبوده و نیست.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی مبدل سازیم!

سرتگون باد رژیم نکبت‌زای جمهوری اسلامی!

پیروز باد مبارزه متحد خلق در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسفند ماه ۱۳۵۶



نابود باد جنگ، زنده باد صلح!

ترکیه دوست و برادر کیست؟

ترکیه، کشور دوست، برادر و هم کیش جمهوری اسلامی، برای سومین بار از سال ۱۳۶۱ مناطق کردنشین شمال عراق را بمباران کرد. خلبانان ترکیه عضو "ناتو" با ۲۰ هواپیمای جنگنده - بمب افکن آمریکائی روستاهای کردنشین عراق را که گویا مراکز تجمع "نیروهای جدایی طلب" بوده است ویران کردند و صدها پیر و جوان، زن و کودک را قربانی این اعمال جنایتکارانه خود ساختند. طبق خبرهای رسیده، مناطق بمباران شده، جزو مناطقی است که زیر کنترل مبارزان عراقی قرار دارد و حزب کمونیست عراق نیز در این مناطق فعالیت دارد.

گرچه به گفته مقام های رسمی ترکیه، انگیزه این جنایت آشکار، گرفتن انتقام از مبارزان کرد ترکیه که گویا در یک روستای مرزی ۱۴ نفر را بقتل رسانده اند بوده است، اما حتی نیم نگاهی به واقعیت ها ثابت میکند که ابعاد این واقعه از چارچوب یک عمل "انتقام جویانه" بسی فراتر می رود.

خبرهایی که از ترکیه می رسد حاکی از آن است که رژیم اورن سخت در پی تقویت نیروهای خود در مناطق شرقی این کشور، یعنی نواحی مجاور با مرز ایران و عراق است. روزنامه "ملیت" گزارش داده است که ارتش ترکیه در نظر دارد مناطق مرزی ترکیه و ایران را مین گذاری کند. رئیس سازمان حراست ترکیه اظهار داشته است که سلاح های جدید و مقادیر زیادی مهمات به منطقه ارسال شده و تعداد نظامیان نیز افزایش یافته است. چندی پیش مجله آلمانی "اشپیگل" گزارش داد که سه اسکادران هواپیمای جنگنده اف - ۱۶ نیروی هوائی آمریکا به ترکیه منتقل شده است. این گزارش را مقامات ترکیه بظاهر تکذیب کردند. اما اکنون به موازات این عملیات اعلام شده است که این نیروها تنها در چارچوب مانور به این کشور منتقل شده اند.

این که اوضاع در کردستان ترکیه، همچون کردستان ایران و عراق ناآرام است و نیروهای دمکراتیک کردستان ترکیه فعالیت های خود را تشدید کرده اند، واقعیتی است انکارناپذیر که حتی رهبران ترکیه را بر آن داشت تا در اجلاسی فوق العاده اوضاع این منطقه را مورد بررسی قرار دهند. این موضوع در جلسه دولت ترکیه در تاریخ ۲۳ فوریه سال جاری که با حضور ژنرال اورن تشکیل شد، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. خبرگزاری آلمان فدرال پیرامون این نشست دولت ترکیه گزارش می دهد: "درافکار عمومی ترکیه حدس زده می شود که این کشور در صورت پیروزی ایران در جنگ خلیج، منطقه نفت خیز کرکوک را اشغال خواهد کرد تا از ایجاد یک کشور کردنشین توسط ایران جلوگیری کند."

اینکه ایران واقعا در پی ستاندن حق عادلانه کردهای عراق باشد ادعائی بیش نیست و واقعیت ۸ سال جنگ و خونریزی وحشیانه در کردستان ایران خلاف آنرا به اثبات می رساند.

اما مقصود ترکیه از به ثمر رساندن این نقشه ها می تواند انجام "وظایفی" باشد که به عنوان عضو "ناتو" در یکی از حساس ترین نقاط جهان بعهده گرفته است. علاوه بر آن گفته می شود در ترکیه از دست دادن این مناطق - کرکوک و موصل - پس از تلاشی حکومت عثمانی هنوز بخوبی مض شده و افزایش نیازهای سوختی ترکیه نیز دردهای کهنه را بیدار می کند. اخبار حاکی از آن است که طرح های دیگری نیز به از سر گرفتن کوشش ها در این جهت یاری رسانده اند. مجله انگلیسی "نیو اسنیس من" نوشته است که آمریکا آماده است بجای پکار گرفتن "سپاه اقدام سریع" در این منطقه حساس از نظر استراتژیک، به این روحيات "تلافي جویانه" در ترکیه میدان عمل بیشتری بدهد.

اوزال، نخست وزیر ترکیه، به علت مسافرت به آمریکا نتوانست در جلسه دولت پیرامون اوضاع منطقه شرکت جوید. اما ما موریتش چیزی جز توضیح دیدگاه های دولت متبوعش در مورد این مسئله نبود. چنانکه می دانیم وی در دیدار خود با ریگان از جمله در مورد کوشش های این کشور در راستای نزدیکی به جمهوری اسلامی گفتگو کرد و بر اهمیت ایران در منطقه تاکید ورزید. ریچارد نیکسون هم در دیدار خود با اوزال نظر وی را پیرامون اوضاع منطقه و چگونگی مناسبات این کشور با همسایگانش جویا شد. الکساندر هیگ نیز از قافله پس نماند.

روزنامه "ملیت" هنگام دیدار اوزال با نیکسون نوشت: "هرچه جنگ در خلیج شدت می گیرد همانقدر بیشتر در برخی محافل پیرامون مداخله احتمالی ترکیه گفتگو می شود."

این روزنامه متذکر شده است که در غرب طرح هایی برای اشغال مناطق نفت خیز کرکوک توسط ترکیه وجود دارد و در صورت ورود ارتش ایران به عراق به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. همه شواهد حاکی از آنست که مسئله، تنها مربوط به کردهای ترکیه و تشدید مفاومت علیه سرکوب وحشیانه رژیم آنکارا نیست. انگیزه اصلی هدف های سلطه جویانه آمریکا و سوذوژئی حداکثر از ادامه جنگ فاجعه بار میان ایران و عراق است. در گذشته بارها شاهد آن بوده ایم که آمریکا شدیداً در پی آنست که شعاع عمل پیمان "ناتو" را بزرگتر کند و پای آنرا به "کانون های داغ" تنش در مناطق مختلف جهان بکشاند.

اکنون این نقشه ها توسط دولت ترکیه - با پشتیبانی آمریکا - عملی می شود. هدف آمریکا روشن است. ایالات متحده در پی تحقق آماج های

ضد فاشیستهای آلمان غربی رژیم ایران را محکوم می کنند

چند روز پیش، اجلاس سالانه سازمان ضد فاشیستی "فاثو. فاثو. ان" ("اتحادیه قربانیان رژیم نازی") در هانور (آلمان غربی) برگزار شد. هیئت نمایندگی از واحد حزب توده ایران در هانور نیز از جمله میهمانان این اجلاس بود. در پیام این هیئت به اجلاس هانور، پس از تقدیر از سابقه درخشان مبارزاتی "فاثو. فاثو. ان" آمده است:

"هنوز در بخشی از کشورهای جهان، از جمله در ایران، کتاب سوزان، ترور، زندان، شکنجه، تقدیس جنگ و تجاوز، هتک حرمت از ستاینندگان زندگی و اندیشمندان ادامه دارد". اجلاس سالانه "فاثو. فاثو. ان" در هانور در قطعنامه ای مفصل درباره ایران سیاست ترور و اختناق و جنگ افروزی رژیم خبیثی را تقبیح کرد.

در بخشی از این بخشنامه می خوانیم: "رژیم ایران از هیچگونه ددمنشی در برابر زندانیان سیاسی و خانواده های آنها خودداری نمی ورزد". شرکت کنندگان در اجلاس هانور، همبستگی خود را با "بیکار ایرانیان دمکرات و مترقی در راه صلح، آزادی و عدالت اجتماعی" یادآور شدند و خواستار "پایان جنگ خلیج، آزادی بیدرنگ همه زندانیان سیاسی، رعایت حقوق بشر در ایران، قطع پیگرد، شکنجه و اعدام و اجازه سفر کمسیون های بین المللی تحقیق به ایران" گردیدند

ما چارچویانه خود برای ساختن سیستم های "جنگ ستارگان" است و در مورد دنیای خاکی ما از سیاست جهان سالاری نوین (نئوگلوبالیسم) پیروی می کند که بر اساس آن تمام کشورهای جهان جزئی از مناطق حیاتی آمریکا محسوب می شوند.

ادامه جنگ میان ایران و عراق و اصرار دیوانه وار سران جمهوری اسلامی بر ادامه جنگ در واقع محمل مناسبی برای تحقق نقشه های آمریکا در مورد کشور ما و کل منطقه ایست که ایران در آن قرار دارد. این مسئله که نقشه های سلطه طلبانه آمریکا توسط کشور دوست و برادر جمهوری اسلامی یعنی ترکیه عملی می شود، برای آشنایان به رموز کارها، نه تازگی دارد و نه حیرت انگیز است. اما برای کسانی که سنگ کشورهای "دوست و برادر" همانند ترکیه "ناتوئی" و پاکستان "آمریکائی" را به سینه می زدند و می زدند عاقبت کار، آبرو باحتگی بیشتر خواهد بود.

NAMEH MARDOM No. 146	P.B. 49034
	10028 Stockholm 49 Sweden
17 March 1987	

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است